

# نگرشی دوباره به:

## مشغله‌های شب یا تکالیف درسی

دکتر غلامعلی افروز



بدون آمادگی ذهنی و روانی و بدون انگیزه، دقت، توجه و ادراک صحیح موضوع مسرود مطالعه، صرف تکرار، نمی‌تواند چندان مؤثر واقع شده، تغییرات نسبتاً پایداری در رفتار یادگیرنده ایجاد کند.

بنابراین آنچه که در فرایند یادگیری مؤثر است می‌بایست در امر تکرار و تمرین یادگیریهای نخستین نیز مورد نظر باشد. به عنوان مثال زمانی که از تأثیر عواملی چون رشد، آمادگی زیستی، ذهنی و روانی، کسب مهارت‌های مقدماتی، برخورداری از نگرش مثبت نسبت به امر یادگیری، انگیزه و رغبت، توجه، ادراک، تشویق و تنبیه و... در یادگیری موضوعات و مطالب سخن می‌گوییم، مسلماً در بازآموزی و تکرار دوباره و تمرین آموخته‌های قبلی یا سرمشق‌ها نیز همین عوامل دخیلند. هنگامی که دانش آموزی می‌خواهد درسی را که معلم در کلاس تدریس نموده است در خارج از مدرسه به صورتهای مختلف مطالعه نماید، چند بار آن را مجدداً بخواند، بنویسد و یا مسائل مشابه را چندین بار حل کند، این گونه تلاشها نیز بدون در نظر گرفتن عواملی که به آنها اشاره شد، بخصوص آمادگی ذهنی و روانی، رغبت و انگیزه، نمی‌تواند کمک مؤثری به امر یادگیری و پیشرفت تحصیلی نماید.

این نیز بیرواضح است که اگر موضوع یادگیری یادرفتهای ذهنی در اوقات مختلف و موقعیتهای متنوع به گونه‌ای تکرار نشود، فراموشی می‌گردد. گذشت زمان از جمله عوامل مؤثر در فراموشی است.

اما با شتاب و عجله درس خواندن و تکلیف‌انجام دادن هضم نه تنها نمی‌تواند موجب یادگیری پایدار شود، بلکه سبب فراموشی سریع نیز

بدون تردید از جمله عوامل مؤثر در یادگیری، تکرار، تمرین و ممارست است. تکرار اکتسابهای آموزشی سبب یادگیری بهتر و به خاطر سپردن آموخته‌هاست. اما آنچه که در این ارتباط حائز اهمیت است، چگونگی تکرار مطالب و تمرین سرمشقهاست. بدیهی است تمرین یا تکرار درسهای آموزشی زمانی می‌تواند مفید واقع گردد که عوامل مؤثر در یادگیری نیز مورد توجه باشد. به دیگر سخن،

رضامندی او را فراهم آورد، ادامه یا فیزیکی تلاش او بیشتر خواهد شد.

واگر سبب ناراحتی یا ناراضی‌تی او گردد، ارتباط بین محرک و پاسخ کاهش می‌یابد. به دیگر سخن، هر قدر دانش آموز در فعالیتهای آموزشی و انجام تکالیف و تمرینات درسی با احساس خوشایندی مواجه گردد و زمینه ارضای نیازهای ذهنی و روانی او فراهم شود، به یادگیری و تکرار و تمرین آن رغبت و انگیزه بیشتری از خود نشان می‌دهد. بدیهی است اگر محصل در فرایند یادگیری نقش فعالی نداشته، از انجام تکالیف درسی لذتی نبرد، در رفتار او تغییرات چندانی مثبتی مشاهده نخواهد شد.

چنانچه قانون تمرین و تکرار:

مطابق این قانون، که ارتباط مستقیم با بحث این مقاله دارد، ارتباط بین محرک و پاسخ، یا استمرار و تکمیل برداشتهای ذهنی و آموخته‌ها، در اثر تکرار و تمرین محکم‌تر می‌شود. امروزه به پیروی از ثوراندیک، مربیان و معلمان مدارس توجه یا علاقه خاصی به تمرین و ممارست نشان می‌دهند. اما آنچه کسه در اینجا لازم به تذکر است و ثوراندیک خود به آن توجه کامل داشته است، مسأله حکموتکی انجام تمرینات و تکالیف درسی است. همان طوری که اشاره شد، صرف تکرار یا تمرین بی‌نفسه نمی‌تواند اثر محسوسی در تکمیل اکتسابهای آموزشی داشته باشد. مراد از تمرین، هرگز صرف رونویسی یک صفحه از کتاب چندین و چندین مرتبه نیست، بلکه مهم آن است که دانش آموز بتواند مطلب را به یاد آورد.

مورد نظر معلم را در موارد کوناگون با آگاهی، رغبت، توجه و دقت، بدور از اضطراب و تشویش، عجله و شتاب بکار ببرد. ثوراندیک در فرایند

می‌شود. به عبارت دیگر زمانی که در انجام تکالیف و تمرین اکتسابهای آموزشی از طرف فراگیر توجه کافی میدول نگردد و دانش آموز تکالیف و تمرینات درسی را به صورت کاملاً سطحی و مکانیکی انجام دهد، انتظار نمی‌رود که نتیجه تلاش ظاهری او منجر به تقویت یادگیریهای پیشین گردد.

عموماً " روان شناسان و صاحب نظران تعلیم و تربیت ضمن توجه به اهمیت عامل - تکرار و تکرار در یادگیریهای پایدار بر چگونگی تحقق این مهم تأکید فراوان داشته‌اند، چرا که تکرار یا تمرین خود بخود اثری در تکمیل یادگیری نمی‌تواند داشته باشد، مگر این که با انگیزه‌های درونی و محرکهای بیرونی تواءم گردد. به عنوان مثال ثوراندیک ادبی مطالعات وسیع خود پیرامون یادگیری در انسان و حیوان، یادگیری را تابع سه قانون اصلی می‌داند. که یکی از این سه قانون تمرین است. ثوراندیک قوانین یادگیری را به شرح زیر عنوان می‌کند.

الف - قانون آمادگی:

بر اساس این قانون یادگیرنده زمانی قادر خواهد بود مطلب یا مهارتی را بیاموزد که از جهات جسمی، ذهنی، عاطفی، روانی و اجتماعی آمادگیهای لازم را داشته باشد. برای شروع نوشتن، باید انگشتان کودک به اندازه کافی رشد کرده و نیز بتواند معانی کلمات را بفهمد و از نظر عاطفی، بدون هیچ گونه اضطرابی در اتمام ورزیدن به نوشتن، از خودش رغبت لازم را نشان دهد.

ب - قانون نتیجه یا تأثیر:

به موجب این قانون هرگاه تلاش فرد (پیدايش ارتباط بین محرک و پاسخ) زمینه احساس



تکمیل آموخته های قبلی نخواهد کرد ، بلکه زمینه ایجاد تگرش منفی ، احساس تنفر و گریز نسبت به محیط آموزشی را در وی فراهم خواهد ساخت .

#### تکالیف درسی و اوقات فراغت

مطالعات مستمر پیرامون ویژگیهای دانش-آموزان خلاق ، بیانگر این حقیقت است که این قبیل دانش آموزان همیشه در زندگی روزمره خود از اوقات ارزشمندی که آن را اوقات فراغت می نامیم ، بهره مند بوده اند . اوقات فراغت زمانی است که در طول آن فرد تکلیف یا وظیفه ای را عهده دار نیست ، این اوقات ، فوق العاده ارزشمند و سودمند هستند . کسانی که در شبانه روز حداقلی از این اوقات فراغت را در اختیار دارند ، از بهداشت روانی بهتری برخوردارند .

اوقات فراغت برای دانش آموزان فرصتی است که آنها بدور از پیش فرضهای مشخصی

یادگیری و بخصوص بکار بستن قوانینی که مطرح می کند ، بر مفهوم بسو دن موضوع یادگیری برای فراگیران ، وجود تکرشی مثبت از طرف شاگردان نسبت به امر یادگیری ، دامنه توجه ، تمرکز ذهنی ، و برخورداری از آرامش روانی و طیب خاطر ، فوق العاده ناءکید می نماید . بدیهی است معلمی که با اصول و قوانین

یادگیری آشنا باشد ، هرگز بدون توجه به شرایط زیستی ، ذهنی و روانی و موقعیت خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان ، تکلیفی را تعیین نمی کند . چرا که در غالب موارد تکالیف و تمرینهای زیاد خود موجبات بی دقتی ، کاهش توجه ، بی رغبتی ، احساس مدرسه گریزی ، اضطراب ، عجله و شتاب را که از عوامل مؤثر در فراموشی هستند ، فراهم می کنند . همیشه باید توجه داشت که اگر هدف از انجام تکالیف تکمیل یادگیری است ، یادگیری بدون انگیزه درونی و محرک بیرونی صورت نمی گیرد . اگر تکالیف درسی شاگرد بیش از ظرفیت جسمی ، ذهنی و عاطفی او باشد ، نه تنها کمکی به

آفت دقت و ادراک است ، تلاش نماید تا تکالیفش را تمام کند !

مطالعات انجام شده در قلمرو روان شناسی ، حاکی از آن است که این قبیل تمرینات درسی که اصطلاحاً " آن را " تمرین تمرکزی<sup>۵</sup> می گویند ، در مقایسه با " تمرین توزیعی<sup>۶</sup> " که در آن فرد تکلیف درسی ( بخصوص زمانی که نسبتاً زیاد است ) را در فواصل زمانی مناسب و با استراحت کافی انجام می دهد ، سودمندی فوق العاده کمتری دارد . لذا توصیه شده است زمانی که دانش آموزان می خواهند مثلاً " نثر یا شعر بلندی را حفظ نمایند و یا تمرینات درسی متعددی را انجام دهند ، نمی بایست با عجله و شتاب همه سعی خودشان را صرف کنند که در یک فاصله کوتاه و فشرده آن را به خاطر سپرده و یا تمام نمایند ، بلکه شایسته است به تناسب تکلیف ، زمان بیشتری را اختصاص دهند و یا فاصله زمانی مطلوب ، با دقت و توجه و بدور از هرگونه تعجیل و شتاب مشغول انجام آن گردند . لذا انجام همه تکالیف روزانه در فاصله های کوتاه و به محض ورود به خانه و یا یک ساعت قبل از خواب ، عادت تحصیلی مطلوبی نیست . بسیاری از دانش آموزان تکالیف آخر هفته خود را ( پنجشنبه و جمعه ) همان اولین ساعات روز پنجشنبه با عجله تمام می کنند و تا صبح شنبه که دوباره روانه مدرسه می شوند ، مطالعه ای نمی کنند و عموماً " با کفتن این جمله که " همه مشقهایم را نوشته ، تمریناتم را حل کرده و درسهایم را خوانده ام " خودشان را کاملاً " از فضای درس و مدرسه رها می کنند . زمانی که چنین عادت ناپسندی در ارتباط با تکالیف نوروزی دیده شود ، جای افسوس و ناله بسیار است . این که در صد قابل توجهی

دهمی ، برآمده ها و تکالیف از پیش تعیین شده ، با رغبت و آسوده خاطر و آزادانه می اندیشند و ذهن حلاق خود را برفراز همه همت ها و باند ها پرواز می دهند . در واقع ، اختراعات ، اکتشافات و نوآوریها عمدتاً " محصول همین اوقات و لحظات بریهاست . لذا مربیانی که به سلامت جسم ، بهداشت روان و پرورش استعداد های حلاق ساگردان خود می اندیشند ، هرگز همه اوقات خارج از مدرسه را با مشقهای سنگین و تکالیف مختلف درسی اشغال نمی کنند . راسی حد دلیلی دارد که به تناسب تعطیلاتی های آخر هفته یا ایام نوروز آن قدر برای بچه ها متنی و تکلیف پیش بینی کنیم تا خیالشان جمع باشد که الحمدلله همه اوقات آزاد آسپاراپر کرده ایم . برکردن اوقات بی نواند همدرد مطلوبی باشد ، بلکه آنچه که مهم و ارزشمند است ، بهره مندی از اوقات فراغت است !

### تکالیف درسی و عادات تحصیلی

یکی از مهمترین مسائلی که به بسیاری از خانواده ها با آن مواجه هستند ، ایجاد عادات مطلوب مطالعه و یا انجام تکالیف درسی است . بعضی از اولیاء بسیار علاقه مند و راغب هستند به محض این که فرزندشان از مدرسه به خانه می آید ، ابتدا همه تکالیف خودش را انجام دهد تا خیالشان به اصطلاح راحت شود ! در حالی که چنین انتظاری نه تنها معقول نیست و نمی تواند عادت تحصیلی مطلوبی در کودک ایجاد نماید ، بلکه موجب بی سودی که دانش آموز بدون آن که به اندازه کافی استراحت کرده باشد ، با عجله و شتاب که خود

یکی دیگر از عوامل بسیار مهم و تعیین کننده در میزان و چگونگی انجام تکالیف در خانه، ساعات کار مدرسه و میزان حضور فعال دانش-آموز در کلاسهای درس است. در بسیاری از کشورهایی که از نظام آموزشی پیشرفته‌ای برخوردار هستند و زمینه حضور گسترده و فعال دانش‌آموزان در محیطهای آموزشی بیشتر فراهم است، در دوره ابتدایی بندرت برای کودکان مشق شب در نظر می‌گیرند. به عبارت دیگر هر قدر طول ساعات آموزشگاه بیشتر باشد، دانش‌آموزان نیاز کمتری به تکالیف درسی خارج از مدرسه پیدا می‌کنند. زمانی که کودک دبستانی از حدود ۷ صبح تا ۳ یا ۴ بعدازظهر به طور فعال در مدرسه حضور دارد، منطقی به نظر نمی‌رسد که برای اوقات فراغت او در خانه نیز تکالیف قابل ملاحظه‌ای در نظر گرفته شود. بالطبع هنگامی که به لحاظ کمبودها و محدودیتهای فضاهای آموزشی در کشور ما، بسیاری از دانش‌آموزان بیشتر از دوسه ساعت موفق به حضور در مدرسه نمی‌شوند، تعیین تکالیف مناسب درسی برای تکمیل اکتسابهای

از دانش‌آموزان بخواهند برای رهایی از اضطراب و نشویش مربوط به تکالیف درسی همان یکی دو روز اول تعطیلات نوروزی که نسبتاً طولانی هم هست، مشقها را بنویسند و تمرینات را به هر قیمتی که هست حل کنند، هرگز نمی‌تواند یک عادت بسنجد و رستگار مطلوب تحصیلی باشد. لذا از مهم‌ترین مسائلی که در ارتباط با مشق شب یا تکالیف درسی مورد نظر است، در کنار میزان و تناسب آن، نحوه یا چگونگی انجام آن است. بالطبع جهت حسن استفاده از اثرات مثبت تدریس در تکمیل یادگیری و ایجاد تغییرات مثبت در رفتار آموزشگاهی دانش‌آموزان، لازم است مربیان متعهد و دلسوز با اولیای علاقه‌مند در راستای ایجاد عادات مطلوب تحصیلی در دانش‌آموزان، برنامه‌ریزیها و تلاشهای مشترکی داشته باشند.

---

ساعات حضور دانش‌آموز در مدرسه  
و مشقهای شب

---



فراهم می شود، بلکه این قبیل تمرینات موجب می شود که دانش آموزان درک کاملتری از اصول و قواعد اکتسابیهای آموزشگاهی داشته باشند و بالطبع از احساس رضامندی و بهداشت روانی بهتری برخوردار گردند.

به عنوان مثال وقتی که دانش آموزان درس جدید و حروف تازه ای را یاد می گیرند، به جای آن که از آنها بخواهیم دهها بار از درس مورد نظر رونویسی نمایند، مطلوبتر این خواهد بود که آنها را راهنمایی نمائیم تا با استفاده از کلمات یا حروف درس جدید تعداد معینی از اسامی متداول دخترها و پسرها، شهرها و خیابانها، خوراکیها، لوازم منزل و غیره را بنویسند. در مورد دروس علوم و ریاضیات نیز می توان از همین روش استفاده کرد و آموخته های شاگردان را به موارد متنوع تعمیم داد.

تکلیف درسی به مثابه طرح یا پروژه تحقیقی

بعضی از معلمان مدیر و صاحب نظر، همواره تلاش می کنند که با استفاده از پیشینه مطالعات قبلی و اکتسابیهای آموزشگاهی در زمینه های مختلف، شاگردان خود را تشویق کنند تا طرح تحقیق یا پروژه خاصی را پیگیری نمایند. مثلاً با توجه به ویژگیهای جسمی، ذهنی، پیشرفت تحصیلی، مهارتهای اجتماعی، رغبتها و انگیزه ها، از دانش آموزان می خواهند وسیله ای را درست کنند، گزارشی از محله خودشان بنویسند، فعالیتهای مشاغل مختلف یا بعضی مراکز علمی، فنی، حرفه ای، آموزشی، هنری را به صورت مصور تهیه نمایند، کتابی را که دوست دارند، بخوانند و خلاصه

بزرگشاهی امری است حائز توجه اولیا و مربیان.

چگونگی تعیین تکلیف درسی، هدفها و روشها

همان طوری که اشاره کردید، چگونگی انتخاب تکلیف درسی و نحوه انجام آن توسط دانش آموز همراه با رغبت و انگیزه، بسیار مهمتر و حساستر از میزان آن است. در این جا به چند روش متداول در تعیین تکلیف درسی به طور اختصار اشاره می شود:

تکلیف درسی و خود آموزی

در بسیاری از مواقع طراحی تکلیف درسی برای دانش آموزان به گونه ای است که آنها با انجام تکلیف و تمرینات درسی که مبتنی بر اصول و روشهای یادگیری است، به صورت خود آموز موفق به فراگیری مطالب و دروس مورد نظر می گردند. تهیه و تدارک این قبیل تکلیف درسی مستلزم بهره گیری از نظریات کارشناسان آگاه و معلمان مجرب است.

تکلیف درسی به منزله بکار بستن اکتسابیهای آموزشگاهی در موقعیتهای مختلف

تمرین نمونه های متنوعی از اصول و قواعد آموخته شده و به کار بردن آنها در موقعیتهای شرایط مختلف می تواند از تکلیف بسیار جالب توجه و مؤثر و مفید باشد. در حقیقت وقتی که از دانش آموزان خواسته می شود مطالب و مهارتهایی را که تازه آموخته اند در موقعیتهای مختلف به کار بسته و آنها را تعمیم دهند، نه تنها زمینه پرورش ذهن و خلاقیت در آنان

آن را تهیه و ارائه کنند و ... این شیوه از تعیین تکالیف درسی می تواند برای دانش - آموزان راهنمایی و دبیرستانی بسیار جالب توجه و خوشایند باشد .

### چند نکته مهم در ارائه تکالیف

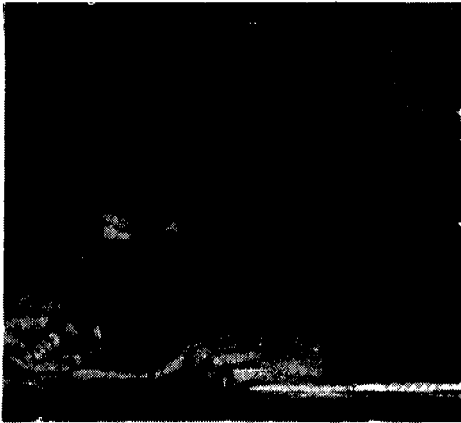
باتوجه به آنچه که پیرامون کمیت و کیفیت مشقهای شب به اختصار بدان اشاره شد ، شایسته است در ارائه تکالیف درسی به دانش آموزان با در نظر گرفتن رغبتها ، انگیزه ها و ایجاد نگرش مثبت و مولد نسبت به انجام تکالیف به عنوان تکمیل کننده یادگیریها ، به نکات زیر نیز توجه داشت :

۱ - تکالیف درسی می بایست به گونه ای باشد که دانش آموزان مهارتهای پیش نیاز لازم را برای انجام آن به نحو مطلوبی احراز کرده باشند . به عبارت دیگر تکالیف درسی باید "کاملاً" مرتبط به آموزشها و تکالیف قبلی بوده ، مقدمه لازمی برای یادگیریهای بعدی باشد .

۲ - تکالیف درسی باید به صورتی باشد که انجام آن برای همه شاگردان کلاس در شرایط و موقعیتهای مختلف مقدور و میسر باشد .

در بسیاری از مواقع دیده می شود که حسن انجام بعضی از تکالیف درسی توسط اکثر دانش آموزان بستگی زیادی به نظارت و راهنمایی والدین آنها دارد . بدیهی است در شرایطی که والدین دانش آموز به دلایلی از قبیل محدودیت حضور در خانه ، کثرت فرزندان و بی سواد و غیره نتوانند نظارت و هدایت لازم را عهده دار شوند ، انجام تکالیف چندان خالی از اشکال نخواهد بود .

۳ - تکالیف درسی باید نه تنها موجب تشدید



اضطراب و هیجان طبیعی دانش آموزان نگردد ، بلکه انتظار می رود به عنوان تأمین کننده بعضی از نیازهای اساسی دانش آموزان ، همواره برای آنها امری خوشایند باشد . لذا صلاح نیست که از تکلیف درسی به عنوان تهدید و تنبیه کودکان و نوجوانان استفاده شود . در این صورت مربی از هدف اصلی دور شده ، در فرایند تعلیم و تربیت از یک حربه موثر غافل می شود ، در صورتی که تکالیف درسی می تواند به صورت پروژه تحقیقی و فعالیت مولد و خلاق ، به عنوان یک عامل تشویقی مطرح گردد .

پاورقیها :

- 1- THORANDIKE
- 2- LAW OF READINESS
- 3- LAW OF EFFECT
- 4- LAW OF EXERCISE

به لحاظ اهمیت موضوع تکالیف درسی بخصوص در آستانه تعطیلات نوروزی ، در این شماره از نشریه پیوند توفیق یافتیم که در این ارتباط از نظریات تنی چند از استادان نیز بهره مند شویم که مطالعه می فرمایید .